

نویسندگان «مردم» نوروز یاستانی، جشن رستاخیز بهاری. سرآغاز سال ۱۳۵۱ خورشیدی را به خوانندگان ارجمند و همه مردم ایران شادباش میگویند. بگذار سال نو سال گسترش پیکار مردم ایران در راه آزادی و عدالت اجتماعی باشد!

ماهنامه

در باره سفر ریچارد نیکسن به چین

مردم
ارگان مرکزی ضرب توده ایران

نیکسن در چین

رئیس جمهور امریکا ریچارد نیکسن، پس از یک جریان تدارک طولانی، همراه راجرز وزیر خارجه و کیسینجر رابزن ویژه رئیس جمهور و دیگر همراهان روز ۲۱ فوریه سال جاری وارد پکن شد. این مسافرت یک هفته بطول انجامید. در این مدت پنج بار مذاکره با چوئن لای نخست وزیر و یکبار با مائوتسه دون

انجام گرفت. در پایان مذاکره اعلامیه گنگی منتشر شد.

نکته شایان تذکر در مورد اعلامیه نهائی آنست که در آن از برخی مسائل عمده جهانی حتی یادی هم نشده است از آنجمله است بحران خاور میانه و تجاوز اسرائیل و مسئله مهم خلع سلاح. ناظران بین المللی بر آنند که مسکوت گذاشتن مسائل نامبرده تصادفی نیست.

رهبران چین از نیکسن و همراهانش با گرمی و تجلیل زیاد پذیرائی کردند. این جریان بوسیله ماهوارهای مخابراتی در جهان پخش شد. روزنامه نیویورک تایمز روز ۲۱ فوریه در این باره نوشت:

«رهبران چین در برابر انظارالعالمیان برای رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا یعنی کسی که سپاهیان کماکان در جزیره تائوان هستند و افراد مسلح او کماکان عملیات نظامی را در ویت نام ادامه میدهند، پذیرائی صمیمانه‌ای را ترتیب داده‌اند.»

و «کارناو» مفسر روزنامه مطلع امریکائی «واشنگتن پست» همان روز نوشت: «مائوتسه دون، کسی که در چین مرتبه خدائی دارد، برای آشتی بالقوه بین امریکا و چین، دعای خیر کرد.»

سریت مذاکرات

مذاکرات طولانی بین نیکسن و رهبران چین کاملاً سری بود و این سریت را اعلامیه کلی و گنگی منتشره در پایان مذاکرات چندان مختل نکرده است. در جریان مذاکره «جان چنلر» رئیس تیم تلویزیونی امریکا در پکن گفت:

«این فوق العاده ترین مسافرت رئیس جمهور تنها مسافرت اوست که در جریان آن روزنامه نگاران درباره مسائل ماهوی در بی خبری مطلق نگاه داشته شده‌اند. بین نیکسون و رهبران چین معتبرترین بحث‌های دوران پس از جنگ دوم جهانی جریان دارد ولی سد محکمی در مقابل رخنه هر گونه خبری کشیده شده است.»

زیگلر سخنگوی «کاخ سفید» در مقابل اعتراض خبرنگاران راجع به سریت مذاکرات تصریح کرد که «طرفین توافق کرده‌اند که مسائل مورد مذاکره را به‌یچوجه افشاء نکنند.»

پس از انتشار اعلامیه نهائی، نیکسن به نمایندگان خبر گزارهای امریکائی گفت: «ما با رهبران چین توافق کرده‌ایم درباره محتوی اعلامیه سخنی نگوییم معنی این سخن آنست که اعلامیه تنها سندی است که منتشر میشود و محتوی مذاکرات سری باقی خواهد ماند.»

آینده نشان خواهد داد که محتوی

این مذاکرات سری چه بوده است. ولی از هم اکنون میتوان درباره آن تصویری داشت.

هدف امریکا

خود ریچارد نیکسن در جریان مسافرت درباره مذاکرات خود با چوئن لای گفت: «آنچه که ما اینجا بدان مشغولیم، دنیا را تغییر خواهد داد. چیزی که ما را بهم جمع کرده است آنست که ما دارای منافع مشترکی هستیم که از اختلافات ما بیشتر است.» وی در روی دیوار تاریخی چین به روزنامه نگاران گفت: «امید است یکی از نتایج مسافرت اوبه پکن آن باشد که دیوارهای ایده‌ولوژیک و فلسفی از میان برداشته شود.»

از این عبارات رمز آمیز نیکسن که بگنریم مطبوعات و رادیوهای جهان هدف امریکا را از مسافرت بچین بی پرده تر افشاء کرده‌اند:

از آنجمله مفسر رادیو ایران در تفسیر خود (۲۳ فوریه ۱۹۷۲) درباره مسافرت نیکسن به چین مطالب زیرین را تصریح کرد: «اولین هدف نیکسن از مسافرت به چین بهره‌برداری از وضع خاصی است که بر اثر اختلاف مسکو و پکن در صحنه سیاست بین المللی و بالاخص در دنیای کمونیسم بوجود آمده و تفسیری که مفسرین معروف دنیا در این مورد می‌کنند آنست که نیکسن میخواهد دنیای دو قطبی امروز را به دنیای چند قطبی مبدل کند و با ایجاد روابط نزدیک بین امریکا و چین از وحدت عمل دنیای کمونیسم در برابر غرب که تعادل فعلی دنیا را بر زبان غرب تغییر خواهد داد جلوگیری کند.»

باید انصاف داد که مفسر رادیوی ایران دورنمایی را (که البته بمذاق اوست) روشن مطرح کرده است. روزنامه حزب کمونیست لبنان «النداء» هدف امریکا را در همین زمینه بطریق زیر بیان می‌کند: «امریکا امیدوار است که با نزدیکی به چین جنبش جهانی ضد امپریالیستی را منشعب کند و اختلاف داخلی این جنبش را تشدید نماید و از این راه دست به محاصره شوروی بزند و آن نقش قاطعی را که این کشور در پشتیبانی از جنبش انقلابی و مبارزه خلق‌ها در همه قاره‌ها علیه امپریالیسم ایفاء مینماید، خنثی سازد.»

هدف چین

درباره هدف چین، باید از وراء عبارات پردازی‌های بظاهر انقلابی رهبران چین، از روی عمل آنها قضاوت کرد. اکنون دیگر واقعیات متعددی جا کسی از آنست که چین با سیاست انشعاب‌گری در جنبش انقلابی، دنباله در صفحه ۴

پیروز باد هشتم مارس، روز بین المللی زنان!

هیئت تحریریه «مردم» هشتم مارس، روز بین المللی زنان، روز مبارزه در راه برابری حقوق، صلح و آزادی را به زنان و دختران ایران صمیمانه شادباش میگوید. یقین داریم که مبارزات زنان ایران در راه دگرگونی مناسبات فرتوت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خانوادگی و ایجاد مناسبات نوین سرانجام به پیروزی نهائی خواهد رسید!

تحلیلی از بودجه کل سال ۱۳۵۱ دولت

رقم ۵۴۸۵ میلیارد ریال بودجه کل کشور که در حدود ۵۵ درصد تولید ناخالص ملی کشور را تشکیل میدهد رقم بیسابقه است، ولی نه با خصلتی که نخست وزیر و دستگاه تبلیغاتی رژیم بان نسبت میدهند، بلکه با خصیصه‌ای که در این تحلیل خواهد آمد.

گرد و غبار انتقاد کاذب

بررسی بودجه در مجلس در محیط «داغ» گذشت و حرارت آن از «آتش انتقاد پرسوز و گداز» حزب اقلیت برمیخاست. نخست وزیر ضمن پاسخ باین انتقادات حتی لازم شمرده تصریح کند که: «برای هر فرد ایرانی این آزادی وجود دارد که عقیده و نظر خود را آزادانه بگوید». البته او چنین دنباله در صفحه ۲

بودجه‌های کل کشور بویژه از آنجهت که علاوه بر بودجه عادی بودجه عمرانی را نیز در بر میگیرند در زمینه تجدید تولید در جامعه ایران وظائف معین انجام میدهند و نقش معین ایفا میکنند. این بودجه‌ها آئینه تمام نمای جوانب گوناگون سیاست اقتصادی- اجتماعی و تا حدودی سیاست خارجی دولت ایران هستند. با اینجهت تحلیل حاضر از بودجه کل سال ۱۳۵۱ کشور جنبه تجزینی ندارد و به قصد روشن ساختن جوانب مشخص سیاست اقتصادی و مالی کنونی دولت و عواقب ناشی از آن انجام میگردد.

دستگاه تبلیغات رسمی رقم بودجه کل سال ۱۳۵۱ کشور را که در مجلسین شورا و سنا بحثهای پر تب و تاب پیرامون آن انجام گرفت «رقم بیسابقه» مینامد. در واقع نیز

موج خشم و پیکار بر ضد بیدادگری رژیم

در افکار عمومی جهان بی اعتبار، منفرد و رسوا نمودند.

هنگامیکه نخستین احکام اعدام از دادگاههای نظامی صادر شد، موج وسیعی از حیرت، تنفر و خشم در جهان برخاست. نامه‌ها، تلگراف‌ها و پیام‌های اعتراضی که در هفته‌های اخیر برای شاه و هویدا ارسال شد، بی‌انگیز نگرانی سازمانها، محافل و شخصیت‌هایی بود که با پیوستن به جنبش اعتراضی مردم ایران خواستند رژیم را به

علیرغم موج اعتراض در سراسر جهان احکام اعدام ده نفر از «محكومان» دادگاه‌های غیر صالح نظامی با تصویب شاه برخلاف اجراء در آمو آقاییان مسعود و مجید احمدزاده عباس و اسداله مفتاحی، حمید توکلی، سعید آریان، غلامرضا گلیوی، عبدالکریم حاجیان مهدی سوالونسی و بهمن آرزنگ از طرف درخیمان رژیم به شهادت رسیدند. این هدیه شوم رژیم استبدادی در آستانه فرار رسیدن سال نو به مردم ایران بود. زمامداران ایران با اقدام به این جنایت بیش از پیش خود را

دنباله در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۱

تحلیلی از بودجه کل سال ۱۳۵۱

گفت تا به خارج بنمایاند که در جامعه ایران آنطور ها هم که شایع است قفل بر دهان ها نزده اند!

بهر تقدیر حزب اقلیت در چهار چوب مجلس از «آزادی عقیده» برخوردار بود و ساعتها از وقت جلسات آن به انتقاد نمایندگان این حزب از بودجه گذشت. ولی انتقاد این اقلیت بدانسان که زینده آنست بجای افشای جوانب واقعاً معیوب بودجه هدف پرده پوشی این جوانب را بقصد انصراف توجه مردم ایران از مسائل عمده تعقیب میکرد. وقتی گرد و غبار تیره و تار این انتقاد کاذب فرو نشست کاشف بعمل آمد که اقلیت جز در مسائل فرعی یعنی «بورس بازی با زمین، نابسامانی در ادارات، گرانای قیمت ها» و نیز ابراز نگرانی از «اعمال جوانان» و ضرورت «مقابله با خرابکاری» آنان (که معلوم نشد ارتباطش با بودجه چه بود) دیگر هیچ ایرادی به بودجه ندارد. اقلیت در موارد تمام جوانب دیگر بودجه نه تنها با «حزب اکثریت» کاملاً همدستان بود، بلکه در زمینه دفاع از جنبه ملیتاریستی بودجه و رقم ۱۰۱ میلیارد ریالی هزینه های نظامی ونادیده انگاشتن کسری عظیم آن که عملاً بر رقم بی سابقه ای در حدود ۱۴۰ میلیارد ریال میرسد و عواقب توممی مهلك در پی دارد حتی از آن حزب نیز دو آتش تر است.

بررسی مشخص ارقام عمده بودجه

در آمد بودجه سال جدید ۵۴۸۵۰۰ میلیارد ریال دعوی شده و هزینه آن نیز همین رقم اعلام گردیده است که نسبت به رقم بودجه کل سال ۱۳۵۰ برابر ۳۳۳۹۴ میلیارد ریال افزایش دارد. در آمد بودجه مانند سالهای پیش از سه بخش عمده ترکیب میشود:

بودجه عادی، بودجه عمرانی، بودجه مؤسسات وابسته بدولت. يك بخش هم مربوط به درآمد های دولت از دیگر مؤسسات است که بطور نسبی رقم کوچکی است. منابع درآمد های بودجه به شرح زیر است:

جدول شماره ۱

منابع درآمد بودجه کل کشور (۱)

(به میلیارد ریال)

مالیاتهای غیر مستقیم	۶۰۸۰۰
مالیاتهای مستقیم	۳۶۸۰۰
نفت	۱۷۸۲۰۰
سایر درآمدها	۳۲۵۰۰
استفاده از وامهای خارجی	۳۶۷۰۰
استفاده از وامهای داخلی	
و اوراق قرضه دفاعی	۴۱۹۰۰
درآمد خالص دولت از	
شرکتهای دولتی و مؤسسات	
انتفاعی وابسته بدولت	۱۵۶۷۰۰
درآمد های خالص دولت	
از دیگر مؤسسات	۴۹۰۰

جمع ۵۴۸۵۰۰

۱ - مأخذ - اطلاعات و کیهان هوائی ۵ بهمن ۱۳۵۰

آیا بودجه «بدون کسری» است؟

نخست وزیر هنگام طرح لایحه بودجه در مجلس بودجه سال ۱۳۵۱ را بودجه «بدون کسری» نامید و گفت «بودجه حاضر با رشد ۲۱ درصد نسبت بسال قبل و تعادل کامل بین درآمدها و هزینه ها تنظیم گردیده است». «اطلاعات» نوشت: «برای اولین بار پس از سالها بودجه بدون کسری تقدیم شد» (اطلاعات - ۵ بهمن ۱۳۵۰).

آیا این دعوی حقیقت دارد؟ تا سال ۱۳۴۵ هنگام تنظیم بودجه دولت آشکارا اعلام میکرد که بودجه فلان قدر کسری دارد. در سال ۱۳۴۵ برای آخرین بار رقم ظاهری کسری بوجه را رسماً ۱۶۴۴ میلیارد ریال اعلام کردند (مأخذ: «گزارش سالانه و ترازنامه سال ۱۳۴۵» بانک مرکزی ایران). ولی از سال ۱۳۴۶ به بعد هنگام طرح لایحه بودجه در مجلس با سر و صدای زیاد در مطبوعات اعلام میشد که بودجه «بدون کسری» است. این دعوی بکلی بی پایه است. يك نگاه سطحی به منابع درآمد های بودجه میزان کسری آنرا نشان میدهد. در جدول شماره ۱ از جمله منابع درآمد - استفاده از وامهای داخلی و خارجی ذکر شده است که جمع آنها ۷۸۶۰۰ میلیارد ریال میشود. درست است که دولت این مبالغ را دریافت میدارد ولی «درآمد» نمیتوان نامید، زیرا سر انجام باید اصل و فرع این وامها را پرداخت و آنهم با بهره های سنگین ۹ درصد برای وامهای تضمین شده داخلی و ۵-۶ درصد برای وامهای خارجی. میزان کل این بهره ها بسته به طول مدت پرداخت اصل وامها در طول ۵ سال قریب ۴۰ درصد و در طول دهسال قریب ۸۰ درصد کل وامها را تشکیل خواهد داد و کسری ۷۸۶۰۰ میلیارد ریال را عملاً به بیش از ۱۰۰ میلیارد ریال خواهند رساند. ولی کسری بودجه بدینجا پایان نمیدارد. دولت علاوه بر این وامها هر سال از سیستم بانکی نیز مبالغ هنگفتی برای چیران کسری بودجه ها برداشت میکند. ضمناً بطوریکه آمار های بانک مرکزی نشان میدهد این برداشتها پیوسته

رو فزون می رود. مثلاً در سال ۱۳۴۴ استفاده از سیستم بانکی ۶ میلیارد ریال بود ولی در سال ۱۳۴۸ این رقم به ۱۷۴ و در سال ۱۳۴۹ به ۳۳۶ میلیارد ریال رسید و متوسط افزایش آن در طول سالهای ۴۹ - ۱۳۴۴ برابر ۷۰ درصد بود. بنا بر این کسری بودجه سال ۱۳۵۱ را نیز عملاً باید رقمی در حدود ۱۴۰ میلیارد ریال در نظر گرفت.

از کل ۵۴۸۵۰۰ میلیارد ریال این بودجه «کاملاً متعادل» و «بدون کسری» ۱۴۰ میلیارد ریال از منابع توممی تأمین میشود و این رقم برابر با بیش از ۲۵ درصد بودجه کل و نزدیک به ۱۴ درصد تولید ناخالص

ملی کشور است.

تازه این مقدار کسری در صورتی است که درآمدهای پیشبینی شده بودجه عملاً تحقق یابد. ولی بطوریکه بررسی گزارشهای بانک مرکزی و آمار های رسمی کشور نشان میدهد درآمد های پیشبینی شده تا پایان سال تمام و کمال دریافت نمیشود.

به گزارش رسمی بانک مرکزی در تاریخ ۲۹ تیر ماه ۱۳۵۰ رجوع کنیم. در آن گفته میشود:

«در بودجه مصوب سال ۱۳۴۹ کل کشور، مجموع درآمد ها ۳۲۶ میلیارد ریال پیشبینی شده بود که ۱۳۳۹ میلیارد ریال آن مربوط به بودجه عادی، ۶۴۸ میلیارد ریال مربوط به بودجه عمرانی و ۱۲۷ میلیارد ریال بقیه مربوط به بودجه مؤسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته بدولت بود. مجموع پرداخت های بودجه کل کشور ۲۰۶۶ میلیارد ریال پیشبینی شده بود و قرار شد که کسری بودجه به مبلغ ۸۰۰ میلیارد ریال از محل وامهای داخلی و خارجی تأمین گردد. . . . لکن عملاً مجموع درآمد ها بعلم عدم تحقق قسمتی از درآمد پیشبینی شده نفت و گمرک ۱۳۲ میلیارد ریال . . . از ارقام پیشبینی شده کمتر شد» («گزارش سالانه و ترازنامه ۱۳۴۹» ص ۲۷ - ۲۸). جالب است که این بودجه نیز که عملاً نه ۸۰۰ میلیارد بلکه ۹۳۷ میلیارد ریال طبق اعتراف مقامات رسمی مالی کشور کسری داشت هنگام طرح در مجلسین بودجه «بدون کسری» اعلام شده بود!

از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۵۱ ارقام بودجه های کل کشور از ۱۴۰۹۵۱ میلیارد ریال به ۵۴۸۵۰۰ میلیارد ریال یعنی در ظرف ۹ سال نزدیک به ۴ برابر شده است. ولی طی همین مدت کسری واقعی آن از ۳۷۵ میلیارد ریال به رقم نجومی ۱۴۰ میلیارد ریال رسیده یعنی ۴۰ برابر شده است. کسری مستمر بودجه عواقب وخیم دربر دارد، زیرا کشور را پیوسته به وامهای خارجی نیازمند میکند و کشورهایی نظیر کشور ما نیز وام خارجی را ناگزیر باید از بانک های تحت تسلط امپریالیسم بگیرند و بدین طریق مایه کشور همواره به سرمایه مالی انحصارات امپریالیستی وابسته خواهد ماند.

بودجه نظامی، بودجه توممی

بودجه جدید را بمفهوم واقعی کلمه باید بودجه نظامی، بودجه توممی نامید، چون یکی از مهمترین اقلام آن رقم بسیار بزرگ هزینه های نظامی و منابع چیران کسری آن نیز چنانکه دیدیم منابع توممی است. این واقعیت را خود مقامات رسمی مالی کشور نیز اعتراف میکنند. مثلاً در فصل مالی «گزارش سالانه و ترازنامه ۱۳۴۹» بانک مرکزی گفته شده است: سرمایه گذارها «تاکنون بیشتر اتکاء به وامهای داخلی و خارجی داشته» است و سپس ضرورت این مطلب را خاطر نشان میسازد که پس انداز بخش دولتی باید افزایش یابد تا «به منابعی که کمتر توممی هستند متکی گردد» (ص ۲۷ «گزارش»).

هزینه های بودجه کل ۱۳۵۱ کشور

شرح زیر است:

جدول شماره ۲

هزینه ها و پرداخت های

بودجه کل کشور

(به میلیارد ریال)

هزینه های بودجه عادی	۲۱۵۹۰۰
هزینه های بودجه عمرانی	۱۷۱۰۰۰
هزینه های شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته	
بدولت	۱۵۶۷۰۰
هزینه های خالص دیگر	
مؤسسات	۴۹۰۰

جمع

۵۴۸۵۰۰

در این جدول هزینه های بسابقه نظامی در شکم هزینه های بودجه عادی نهفته است. نگاهی به جدول یائین مطلب را روشن تر میکند:

جدول شماره ۳

هزینه های عادی و عمرانی

(به میلیارد ریال)

امور عمومی	۳۶۵۳۹
دفاع ملی	۱۰۰۹۴۱
امور اجتماعی	۸۳۰۹۴
امور اقتصادی	۱۳۸۱۴۰
هزینه های متفرقه (پرداخت اصل و فرع وامها)	۲۸۲۰۲

بدینسان هزینه های دفاع ملی ۱۰۰۹۴۱ میلیارد ریال اعلام شده است که بخودی خود رقم بسیار بزرگ است و در مجموع ۷۸۰۹۳ میلیارد ریال سال ۱۳۵۰ مبلغ ۲۲۳۴۸ میلیارد ریال فزونی دارد. رقم ۱۰۰۹۴۱ میلیارد ریال معادل يك میلیارد و ۳۴۵ میلیون دلار است. این رقم نسبت به بودجه کل کشور ۱۸ درصد است. مقامات رسمی کشور میکوشند برای نشان دادن سهم هزینه های نظامی بخصوص نسبت آنرا با بودجه کل کشور ملاک قرار دهند. ولی چنین مقایسه ای واقعیت را پرده پوشی میکند، زیرا رقم بزرگی از بودجه های کل کشور را هزینه های عمرانی تشکیل میدهد و نسبت هزینه های نظامی را باید در قیاس با بودجه عادی کشور در نظر گرفت نه در قیاس با بودجه کل. در اینصورت نسبت هزینه های نظامی ایران نسبت ۴۷ درصد بودجه خواهد شد و این نسبت نشانگر واقعیت است نه هر نسبتی که دلخواه است. اگر جز این می بود هزینه های نظامی امریکا در قبال جمع بودجه عادی و بودجه های انحصارات بزرگ در صد خیلی کمتری را تشکیل میداد.

تازه مطلب بدینجا پایان نمیدارد، زیرا در هزینه های نظامی ایران بهره های وام های نظامی سالهای گذشته که هر سال رقم

تحلیلی از بودجه کل سال ۱۳۵۱

بزرگی را تشکیل میدهد و نیز هزینه راهبانی را که در درجه اول برای هدفهای استراتژیک احداث میشود (مانند راهی که ایران را به آسیای جنوب شرقی متصل خواهد ساخت) و نیز هزینه‌های ساختمان فرودگاههای نظامی، توسعه نظامی بندرگاهها، شبکه مخابراتی، سر تا سری سنتو و اعتبارات سری دیگر منظور نشده است. در این زمینه بودجه بهره و امها اهمیت بسیار دارد. صحیح است که در بودجه های کل بخش عمده و امها در زمره هزینه های عمرانی قلمداد میگردد ولی اگر هزینه های هنگفت تسلیحاتی و امهای ناشی از آن نمی بود قطعاً نیازی به مقادیر عظیم وام و بهره های سنگین آن پیش نیامد. و امها بطور عمده برای تسلیحات اخذ میشود و بهره آنها را هم باید بحساب هزینه های نظامی یخت.

درآمد نفت بکام سوداگران اسلحه

بدینسان میزان واقعی هزینه های نظامی از ۹۶۱ تا ۱۰۰ میلیارد بیشتر میشود و برقی بالغ بر یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار یعنی تقریباً به درآمد نفت میرسد. بیهوده نیست که بموازات افزایش درآمد نفت هزینه های نظامی نیز همه ساله افزایش یافته است. در سال ۱۳۳۴ یعنی سال ورود به پیمان بغداد - سنتو هزینه های نظامی ایران ۴ میلیارد ریال یعنی معادل ۵۳ میلیون دلار و در سال ۱۳۴۱ یعنی آغاز « انقلاب سفید » ۱۱۷۳۸ میلیارد یا در حدود ۱۵۶ میلیون دلار بود و اکنون عملاً به ۱۲۰ - ۱۴۰ میلیارد ریال یا یک میلیارد و ۶۰۰ تا یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار رسیده که در قیاس با سال ورود به پیمان بغداد ۳۰ - ۳۴ برابر رقیاس با آغاز « انقلاب سفید » بیش از ۱۰ - ۱۱ برابر شده و هیستری میلیتاریزاسیون سال به سال این نسبت را بیشتر میکند.

پس اگر از رقم ۵۴۸۵ میلیارد ریال بودجه کل کشور که رقم بسابقه نامیده شده کسری واقعی ۱۴۰ میلیارد ریالی و هزینه های ۱۴۰ میلیارد ریالی واقعی نظامی را کسر کنیم آنوقت رقم بودجه دیگر بسابقه نخواهد بود زیرا از آن فقط ۲۶۸ میلیارد ریال خواهد ماند.

از سوی دیگر: از کل رقم ۵۴۸۵ میلیارد ریال ۱۷۸۰۰ میلیارد آن از محل درآمد نفت است که هیچگونه پیوند طبیعی و ارگانیک با اقتصاد ایران ندارد. این رقم باضافه ۱۴۰ میلیارد ریال کسری واقعی بودجه میشود در حدود ۳۱۸ میلیارد ریال که بسی پیش از نصف بودجه کل است و اگر از آن کسر شود باقی میماند فقط ۲۳۰ میلیارد ریال! برای هزینه های نظامی ۱۴۰ میلیارد ریال صرف میشود ولی برای تمام امور اقتصادی کشور ۱۳۸ میلیارد ریال! درطول ده سال اخیر جمع کل هزینه های نظامی بعلت شرکت در بنو کهای تجاوزکار امیریا- لیستی بالغ بر ۸ - ۷ میلیارد دلار یعنی در

حدود کل درآمد حاصله از ثروت نفت ایران است.

انحصارات نفتخوار ثروت نفت ما را بتاراج میرند و آنچه را هم که بابت این تاراج میپردازند از یک دست میدهند و از دست دیگر بابت بهای تسلیحات بکلی نامتناسب با نیازمندیهای واقعا دفاعی ایران می ستانند و بعبارت دیگر افزایش درآمد نفت نه تنها عملاً با اقتصاد کشور سودی نمیرساند بلکه با صرف مستقیم و غیر مستقیم آن برای ملیت- ریزاسیون و شرکت در مسابقه تسلیحاتی امیرالیستها بان زبان میرساند. لذا افزایش درآمد های نفت (با آنکه فی نفسه مبارزه در راه آن ضروریست) متأسفانه با این کیفیت نمیتواند بخودی خود برای مردم ما پدیده شادی آور تلقی گردد.

البته اینها فقط عواقب اقتصادی شرکت ایران در مسابقه تسلیحاتی اردوی امیرالیستها است. خطرناکتر از آن، عواقب سیاسی میلیتاریزاسیون روز افزون ایران است. پیروی از سیاست میلیتاریزاسیون نه تنها بر وخامت اوضاع در خاور میانه میافزاید بلکه تسلط امیرالیسم را نیز در آخرین تحلیل بر کشور ما تشدید میکند. بیهوده نیست که امیرالیستها همیشه کوشیده اند ایران را در بلو کهای نظامی تجاوز کار خود نگاهدارند. در سال ۱۹۳۸ پیمان نا فرجام سعد آباد را بهم وصله و یشه کردند (انگلستان) و پس از جنگ جهانی دوم ایران را نخست به پیمان بغداد - سنتو کشاندند و سپس قرارداد نظامی دو جانبه با امریکا را بان تحمیل کردند و اکنون ایران را بیش از پیش به شرکت در ماجراهای خطرناک خود در خلیج فارس و اقیانوس هند وامیدارند و هزینه های آنرا هم از محل درآمد نفت تأمین میکنند.

«تئوری» نخست وزیر

چنین است ماهیت واقعی بودجه کل سال ۱۳۵۱ کشور.

خصیلت اساسی این بودجه ماهیت نظامی - تئوری آن با تمام عواقب هلاکتبار آنست. تشدید روز افزون خطر تورم موجبات نگرانی محافل صنعتی و بازرگانی ایران را فراهم ساخته است.

نخست وزیر ضمن نطقی که هنگام تصویب بودجه در مجلس ایراد کرد برای « توجیه » واقعیت تورم در ایران (که ضمناً برای نخستین بار از طرف یک مقام رسمی بان اعتراف میشود) به « تئوری » مشهور بورژوازی «ارتباط ناگزیر عوامل تورم با توسعه اقتصادی» استناد ورزید و گفت: « یکی از پیچیده ترین مسائل اقتصادی خاصه در مورد کشور های در حال توسعه، تلفیق توسعه اقتصادی با عوامل تورم است، زیرا اقتضای طبع توسعه - افزایش سطح قیمت هاست. » نخست وزیر سپس در حالیکه میکوشید مسئله « افزایش قیمتها » و مسئله « تورم » را با هم خلط کند نتیجه گرفت که « این افزایش خود یکی از معیارها و نشانه های توسعه اقتصادی است. »

در پاسخ استناد به این « تئوری » بورژوازی باید بگوئیم که علل تورم در ایران

موج خشم و پیکار بر ضد بیدادگری رژیم

رعایت قانون ملزم سازند.

پس از صدور نخستین احکام اعدام به ابتکار کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، در حدود ۱۰۰ نفر از نمایندگان سازمانهای دانشجویان ایرانی در فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا و اتریش در شهر پاریس اعتصاب غذا کردند. اعتصاب کنندگان تقاضا داشتند که تمام احکام اعدام لغو گردد و دولت ایران شرایط لازم را برای ورود حقوقدانان و پزشکان از جانب سازمانهای بین المللی برای رسیدگی بوضع زندانیان سیاسی و چگونگی دادگاههای نظامی فراهم کند. این اعتصاب که از روز ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن) آغاز شد، روزدوشنبه ۲۸ فوریه یعنی پس از ۱۴ روز با وساطت

بکلی غیر از آنست که نخست وزیر میکوشد جلوه گر سازد. تورم کنونی در ایران همانگونه که در این مقاله تشریح شد از دو عامل اساسی ناشی میگردد: اولاً ارقام نجومی کسری های مزمن همه ساله و توسل بوامهای داخلی و خارجی با بهره های سنگین بعنوان منابع جبران آنها و ثانیاً هزینه های نظامی بکلی نامتناسب و واقعا توانفرسا.

افزایش قیمت کالا های معین در اثر رشد و توسعه اقتصاد بخودی خود موجب تورم نمیشود و ارزش پول را در قبال ارزهای عمده جهان سرمایه داری پائین نیآورد، زیرا رشد و توسعه اقتصادی بنه اقتصادی کشور را قوی تر میکند و تولید ملی را افزایش میدهد و قدرت مقاومت پول کشور را در قبال ارز های خارجی بالاتر میرد. هر افزایش قیمتی نمودار تورم نیست و هر تئوری هم معلول افزایش قیمتها نیست. خلط این دو مقوله اقتصادی با هم نادرست است. توسعه اقتصادی اگر قیمت برخی کالا های مصرفی را بالا میرد در مقابل قیمت بسیاری از کالا های دیگری را که در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی تولید آنها افزایش میپذیرد پائین میآورد. تشدید روز افزون تورم کنونی در ایران فقط از دو عامل پیشگفته ناشی میشود و لاغیر. بیهوده نیست که ارزش ریال سال بسال در قیاس با ارزشهای عمده جهانی پائین تر میآید و هزینه زندگی سال بسال افزایش مییابد. براسستی « دست مریزاد » میکوشد که کشوری با چنین ثروت عظیم نفت و با بیش از ۲ میلیارد دلار درآمد سالانه نفت در معرض خطر واقعی تورم باشد و پیوسته برای قرض دست گدائی بسوی بانکهای امیرالیستی دراز کند!

بار سنگین این بودجه و عواقب تئوری آن نیز به کرده زحمتکشان ایران است که باید گرانی روز افزون هزینه زندگی را تحمل کنند.

بهین جهت نارضایتی مردم پیوسته تشدید میگردد و آنانرا بیش از پیش بمبارزه پیکار و قاطع علیه رژیم میکشانند.

م. پ. هرمن

سازمانهای معتبری چون جامعه حقوق بشر در سوئیس، کنکره حقوقدانان امریکا و شخصتهائی چون « آلبرن نائی » جانشین مارتن لوتر کینگ و هانری رولان رئیس انجمن طرفداران حقوق بشر در اروپا پایان یافت. این سازمانها و شخصیت ها وعده کردند که بوسیله سازمان ملل متحد و برقراری ارتباط با دولت ایران، تقاضای دانشجویان را بر آورده سازند. برای اعتصاب کنندگان نه تنها نامه ها و پیام های هبستگی از سراسر اروپا و امریکا رسید، بلکه از ایران نیز علیرغم فشار، دو نامه و پیام برای اعتصاب کنندگان ارسال شد. نخستین پیام از جانب دانشجویان زندانی دانشگاه تهران بود: « مقاومت، دردها و سلامهای گرم ما به تمام کسانی که از ما پشتیبانی کرده اند. پیروزی با ماست. » نامه دیگر از روحانیون زندانی که به وضع دادگاهها و زندانها اعتراض کرده و همدردی خود را اعلام داشته بودند.

درمحل اعتصاب یک کنفرانس مطبوعاتی

ترتیب داده شد که شخصتهای برجسته ای از سازمانهای بین المللی در آن شرکت جستند. از جمله سخنرانان این کنفرانس آقای « کریستین گروبر » نماینده مجلس ژنو و نماینده جامعه حقوق بشر سوئیس و کمیسون بین المللی حقوقدانان بود که ضمن توضیح مشاهدات خود در ایران، بر خورد مقامات مربوطه با وی و جریان یکی از دادگاه های نظامی اخیر گفت:

« در ایران هیچگاه شروع دادگاه قبلا اعلام نمیشود و این تصادفی بود که در مدت اقامت من در تهران یکی از دادگاهها تشکیل بود و من توانستم بالاخره یک روز در دادگاه شرکت کنم. در دادگاه هیچگونه شاهدهی شرکت نداشت. مدارک کافی هم علیه متهمین موجود نبود. »

نماینده فدراسیون جهانی حقوق بشر « ژاکلین پورتل » و نماینده سازمان ملی حقوقدانان امریکا « جون یولن » که در اواخر دسامبر گذشته و آغاز ژانویه سال جاری برای اطلاع از وضع زندانیان سیاسی و شرکت در دادگاهها به ایران سفر کردند نه اجازه ملاقات با زندانیان به آنها داده شد و نه دادگاههای نظامی آنها را پذیرفتند. « ژاکلین پورتل، نماینده فدراسیون جهانی حقوق بشر پس از بازگشت از ایران در گزارش خود یاد آور میشود که:

« با توجه به گزارشات اضطراب آوری که توسط نمایندگان اعزامی قبلی فدراسیون جهانی حقوق بشر و دیگر سازمانهای بین المللی بدست آمده است میتوان با حس قرب به یقین گفت که در ایران دستگاه اختناق پلیسی وجود دارد که بشدت متناقض با حقوق بشر است. با این وضع چیزی که بسیار قابل شگفتی است اینستکه ایران آزادانه خود را در اتحاد ملل جهان چون پیشاهنگی برای دفاع از حقوق بشر قلمداد میکند. »

در باره سفر ریچارد نیکسن به چین

با روش ضد شوروی عنان گسسته، با احتراز از هر گونه وحدت عمل با نیروهای ضد امپریالیستی بطور عینی مهمترین کمک را به خروج امپریالیسم آمریکا از بحرانی می کند که با آن دست بگریبان است.

میدانیم که در ایام اقامت نیکسن در چین بر شدت بمبارانهای ارتش متجاوز آمریکا در ویت نام افزوده شده بود. جالب است که در تمام مدت اقامت هیئت نمایندگی آمریکا در مطبوعات و رادیوی چین عبارت «امپریالیسم آمریکا» نه بی چشم خورد، نه بگوش شنیده شد. در روزنامه «ژن مین ژیبائو» از حوادث ویت نام گاه یاد میگردد و گاه همه جا از مبارزه میهن پرستان ویت نامی علیه یک «دشمن» بی نام سخن رفته است.

فرنان مولیه خبرنگار «فرانس پرس» در ۲۵ فوریه در جریان مذاکرات نیکسن - چوئن لای چنین نوشت: «در محافل مطلع فکر می کنند که بخشی از پنجمین مذاکرات نیکسن و چوئن لای به مسئله ویتنام اختصاص یافته است. البته دولت چین نمی خواهد به هانوی فشار بیاورد ولی بنظر میرسد که آماده است از استبدالات آمریکا در این مورد اطلاع یابد. کارشناسان بر آنند که این واقعیت به چین، در قیاس با شوروی اوتوریتته بیشتری خواهد داد بدون آنکه او را در مقابل آمریکا متعهد سازد. «رادیوی آمریکایی» (ای-بی-سی) در تفسیر خود در ۲۳ فوریه ۱۹۷۲ چنین گفت:

«اگر سابقاً چین اصرار داشت که امریکائیان از آسیا بروند، حال مایل است که امریکا در این منطقه نقش معینی را ایفاء کند.»

واقعیات حاکی از چیست؟

علاوه بر سکوت چین در جریان حملات وحشیانه هواپیماهای «ب-۵۲» امریکایی در ویت نام، خودداری چین از شرکت در «مجمع صلح و استقلال خلق های هندوچین» که در پاریس (ورسای) در فوریه ۱۹۷۲ تشکیل گردید نیز نمایشگر هدف های رهبران مائوئیست است.

میدانیم که در این مجمع بزرگ جهانی نمایندگان ویت نام شمالی، ویت نام جنوبی، کامبوج و لائوس شرکت جستند. در این مجمع قطعنامه های متعددی در دفاع از خلق های هند و چین تصویب شد که انعکاس عظیم جهانی یافت. روزنامه ایتالیایی «پائزه سرا» درباره عدم شرکت چین در این مجمع نوشت: «اگر چین شرکت میکرد ناچار بود به قطعنامه هایی که درباره شیوه های تأمین صلح در هندوچین است و مبنی بر پیشنهاد های دولت انقلابی ویت نام جنوبی است، رأی بدهد، ولی چنانکه میدانیم دولت آمریکا با این پیشنهادها باغداد تمام مخالفت میورزند.» نتیجه این روش چین نه تنها نگرانی بلکه بدگمانی منطقی است که در رزمندگان ویت نامی پدید آمده است. این احساس با

احساس حق شناسی عمیق نسبت به اتحاد شوروی همراه است که روش انترناسیونالیستی دفاع از حقوق خلق ها را دنبال می کند. رؤسای هیئت های نمایندگی ویت نام شمالی ویت نام جنوبی، لائوس در بازگشت از مجمع ورسای، از مسکو گذشتند. اظهارات آنها نماینده افکار و احساسات باطنی آنهاست، از آنجمله «هوانگ کوئوک ویت» عضو هیئت رئیس جمهور ویت نام شمالی گفت: «میل دارم بویژه درباره نقش اتحاد شوروی در گسترش مبارزات ضد امپریالیستی سخن گویم.»

اتحاد شوروی نه تنها به ویت نام در مبارزه اش علیه تجاوز آمریکا کمک مادی و نظامی مبدول میدارد، بلکه بی گرانه خواستار بهم پیوستگی همه نیروها برای تشکیل جبهه واحد مبارزه علیه امپریالیسم جبهه گر امریکاست و مبارزه جهانی بسود هند و چین را مورد حمایت قرار میدهد. «دانگ کوانگ مین» عضو کمیته مرکزی جبهه ملی ویت نام جنوبی گفت: «خلق ویت نام جنوبی پیوسته با احساس سیاستگزاری بیاد دارد که اتحاد شوروی در همه جبهه ها جنگی، اقتصادی، دیپلماتیک با کمکی مبدول میدارد که بزرگ ذقیمت و مؤثر است.»

«ژنرال سینگاپو» عضو کمیته مرکزی جبهه میهنی لائوس گفت: «ما در مبارزه خود پیوسته اثر بخشی کمک همه جانبه معنوی و مادی اتحاد شوروی را احساس می کنیم. وقتی ما در باره این کمک می اندیشیم، پیوسته این اندیشه با احساس سیاستگزاری عمیقی همراه است.»

چند نتیجه

نظر اصولی ما در مسئله روابط آمریکا و چین روشن است: ما طرفدار عادی شدن روابط کشور های دارای سیستم های مختلف بر اساس همزیستی مسالمت آمیز هستیم و از این جهت ما به نفس بهبود روابط مابین آمریکا و چین، با نظر منفی نمی نگریم، ما پیوسته سیاست امپریالیستی منفرد کردن چین، منفاک کردن تایوان از چین را بشدت محکوم کرده ایم. ولی همه مطلب بر سر سمت و هدف و مخقوی واقعی رابطه ای است که اکنون دایر میشود.

همکاری چین و آمریکا در مسئله دفاع از قصابان یا کستانی علیه خلق بنگال دس، روش چین در مورد ویت نام که واقعیات یاد شده از آن حکایت می کند، نباغیات عنان گسسته ضد شوروی رهبران چین و خودداری چین از قبول هر گونه وحدت عمل علیه امپریالیسم و انشعابگری در نهضت انقلابی جهانی، سیاست دورویانه چین در آفریقا (که یک نمونه آن بی اعتنائی به تصمیم سازمان ملل درباره منع روابط بازرگانی و اقتصادی با رژیم نژاد گرای رودزی و بسط روابط اقتصادی با این رژیم است) و دهها واقیعت دیگر چهره واقعی رهبران چین را بیش از

موج خشم و پیکار بر ضد بیدادگری رژیم

«واکلین پورتل» در پایان گزارش خود مینویسد: «بدون اینکه در مسائل داخلی دولت ایران داخل شویم باید بگوئیم که این دولت آگاهانه به اصولی که پیروی رسمی از آنها را ضروری میدانند تجاوز میکند.»

دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا، اتریش ایتالیا و شهر های مختلف آلمان غربی به همبستگی با اعتصاب کنندگان و اعتراض به ترور رژیم تظاهراتی با شرکت صدها دانشجوی خارجی ترتیب دادند و نامه ها و قطعنامه های خود را به سفارتخانه های ایران تسلیم کردند. در شهر واشنگتن دانشجویان ایرانی اعتصاب غذا نمودند.

بسیاری از شخصیت ها و سازمانها و مطبوعات جهان در جنبش اعتراض به احکام اعدام و تأمین دموکراسی فعالانه شرکت کردند، وزیر فرهنگ ایالت ژنو، ۲۳ نفر از حقوقدانان و شخصیت های اجتماعی و فرهنگی سوئیس و از جمله آقای «تالر» رئیس انجمن حقوق بشر، ۱۹ تن از اعضاء کابینه ایالت ژنو، ۴۰ نفر از شخصیت های حقوقی و سیاسی سوئیس، رئیس حزب سوسیال دموکرات سوئیس، ولسون نماینده حزب کارگر انگلستان نماینده حزب سوسیالیست متحده فرانسه، اسقف اعظم پاریس، رالف دیویدا برناتی جانشین مارتین لوتر کینگ و نیز حزب کمونیست انگلستان، فرانکسیون حزب سوسیال دموکرات آلمان غربی در پارلمان ایالت برمن، سازمانهای جوانان و دانشجویان آلمان غربی، شعبه های مختلف حزب سوسیالیست فرانسه، کنفرانس ایالتی حزب کمونیست ایتالیا در یادوا، سازمانهای دانشجویی در ایتالیا، روزنامه اونیا ارگان حزب کمونیست ایتالیا، روزنامه اوانتی ارگان حزب سوسیالیست ایتالیا، ماک گاورن نامزد ریاست جمهوری از حزب دموکرات آمریکا، چند تن سناتور امریکایی، رئیس معاونان استادان

پیش نشان میدهد. در این مورد روزنامه «پراودا» بدرستی می نویسد:

«در قبال سیاست انترناسیونالیسم همبستگی در مبارزه ضد امپریالیستی و سیاست همزیستی مسالمت آمیز کشور های دارای نظام مختلف اجتماعی، امپریالیسم سیاست تشدید وخامت و تجاوز را قرار میدهد. در این تلاش برای منسب کردن نیرو های رهایی بخش، امپریالیسم از ایده نولوژی بورژوا-ناسیونالیستی و شوئیستی از هر نوع، از آنتی کمونیسم و آنتی سوتیسم بعد زیادی استفاده می کند.»

در اینجا است که هدفهای امپریالیسم و هدفهای رهبران مائوئیست وارد مجاری مشترک میشود. آینده نشان خواهد داد که این سیاست تا چه حدی دور خواهد رفت.

ا. س.

دانشگاه جرج کاون در آمریکا.

رادیو و مطبوعات حزب ما علیرغم مخالفت با «مشی سیاسی» متهمان و تأکید مکرر ضرورت اتخاذ مشی صحیح انقلابی در مبارزه علیه ارتجاع ایران و امپریالیسم، به پیروی از اصل همگانی بودن دفاع از زندانیان سیاسی از آغاز دستگیریهای اخیر نقش برجسته ای در دفاع از متهمان ایفا کردند. رادیو بیگ ایران در افشاگری رژیم استبداد، در انعکاس اخبار جنبش اعتراضی خارج از کشور، در همدردی و همبستگی با زندانیان سیاسی و وظائف خود را بمثابه سخن گوی مردم ایران بنحودرخشانی انجام داد. بدون رادیو بیگ ایران انعکاس بانگ خشم و اعتراض مردم ایران و جهان در پهنه ای چنین وسیع امکان نداشت. مطبوعات حزب ما نیز در دفاع از متهمان بی گناهی و افشای رژیم فعالانه شرکت نمود.

زامامداران ایران که موج نفرت را علیه خود برانگیخته دیدند کوشیدند تا از ارگانهای تبلیغاتی خود برای نثار انواع دشنامها و اتهامات به «متهمان» مدد گیرند. رادیو و تلویزیون ایران تفسیر های متعددی را به لعن «محرکومان» دادگاههای نظامی اختصاص دادند تا از همدردی و همبستگی مردم کشور با آنان بکاهند. جاسوسان سازمان امنیت برای «ساختن» افکار عمومی تصمیم به کشاندن مردم به «میتینگ» روز سه شنبه گرفتند و اما همچنانکه «بازی» دادگاههای نظامی هرگز نتوانست کسی را چه در داخل و چه در خارج از کشور بفریبد، «مضحکه» میتینگ و تظاهرات که طراح آن سازمان امنیت است نیز قادر بفریب احدی نیست. سیما بی رتوش رژیم را مرزبان و جهانیان بدرستی میشناسند.

جالب است که حتی قضات دست نشانده دادگاههای نظامی، اتهام ضدیت با «سلطنت مشروطه» را در برخی احکام صادره تکرار نکردند و «جرم» متهمان را ضدیت با «سلطنت» اعلام نموده اند، «جرمی» که معلوم نیست بر اساس کدام ماده از کدام قانون، مجازات آن اعدام است، زیرا حتی در قوانین مورد استناد دادستان هم مجازات ضدیت با «سلطنت مشروطه» اعدام است و نه «سلطنت».

جنبش اعتراضی علیه اختناق و بی قانونی رژیم را باید بیش از پیش تقویت کرد و زندگهای جوانی را که هنوز در خطر مرگ اند نجات داد. رژیم ایران علیرغم آنکه میخواهد خود را به افکار عمومی جهان بی اعتنا نشان دهد، از میلیونها چشم و گوشی که مراقب اقدامات خلاف قانون اوست وحشت دارد. باید بیش از پیش رژیم را افشا نمود و از افکار عمومی جهان در این راه یاری گرفت.

مینو